**چکیده:**

زندگى پر برکت حضرت فاطمه(س) به عنوان بهترین الگو و نمونه فرا روى انسان‌های مسلمان و آزاده قرار دارد که با الهام گرفتن از آن مى‏توان در مسیر سعادت و خوشبختی گام نهاد و با الگو گرفتن از آن، مسیر کمال را پیموده به حیات معقول دست یافت. جامعه مسلمان امروز به ویژه زنان بیش از پیش به الهام گیری از زندگى حضرت زهرا(س) نیازمند مى‏باشند؛. او هم در نزد رسول خدا وهم در نزد مسلمانان راستین از احترام و مقام ویژه برخوردار است و فضیلت‌های که برای این بانوی بزرگوار در کتب احادیث و روایات آمده فراوان است و نام‌ها و القاب زیبای که برای این بانو در احادیث به چشم می‌خورد بیانگر مقام شگرف و جایگاه ویژه آن بزرگوار می‌باشد. او هما نگونه که در مقام دختر پیامبر اسلام دارای مقام بلند و جایگاه منیع است در مقام همسر علی و مادر حسنین نیز مقام ارجمند دارد و همچنین از امتیازات ویژه و منحصر به فرد آن حضرت است اینکه: او تنها بانوى است که در میان امت پیامبر خاتم(ص)، معصوم و از هر گونه خطا و لغزش دور بوده و پیراسته ‏مى‏باشد و از نظر عبادت و بندگى در اوج از عظمت قرار دارد به گونه‏اى که در این جهت نیز کسى به پاى او نمى‏رسد، . همان گونه که سیره فردی و اخلاقی فاطمه (س)الگوی زنان و مردان عالم بوده است زندگانى پربار و سیره سیاسى حضرت نیز چون ابعاد دیگر زندگى او به عنوان چراغى فرا روى انسانهاى مسلمان قرار دارد که با الهام از آن مى‏توان شیوه رفتار های سیاسی و اجتماعی و فردی را فرا گرفته و زمینه یک زندگی سالم با معیار اصیل دینى و قرآنى را فراهم‏نمود. اینها مسایلی است که در این نوشته به آن پرداخته‌ایم.
کلیدواژه ها: فاطمه، فضایل، سیره سیاسی، زمان‏شناسى، دین وسیاست،

**مقدمه :**فاطمه زهرا سلام الله علیها یگانه دختر بزرگوار پیامبر اسلام است که در ابعاد مختلف زندگی چه فردی و چه اجتماعی می‌تواند به عنوان بزرگ‌ترین الگو برای زنان مسلمان باشد مخصوصاً در عصرى که پوچى و بى هویتى و ولنگارى، هجمه‏هاى فرهنگى بیگانگان، با پیشرفت علم و فن آورى و تبادل سریع اطلاعات( که جهان را به دهکده تبدیل نموده است؛) و در عصرى که سیل شهوات با اشکال مدرن آن از هر سو بر مغز و فکر و اندیشه زنان و مردان مسلمان یورش می‌برد، ما را بیشتر به فرهنگ و اندیشه این بانوی نمونه اسلام نیازمند ساخته است تا بتوانیم از میان لجن زارهاى دنیاى مادى زده امروز، راه خویش را پیدا نموده خود و جامعه اسلامی را نجات بخشیم. بدین جهت هم سیره و رفتار فردی و هم اجتماعی، از جمله موضع‏گیرى و جهت‏گیرى سیاسى آن حضرت پس از در گذشت رسول خدا(ص) و بحران سقیفه و دفاع آن حضرت از امام على(ع) از اهمیت فراوانى بر خور دار است، زیرا او بر اساس فرمایش رسول خدا(ص) ملاک حب و بغض خداوند به عبارتى پس از رسول خدا(ص) معیار حق و باطل بوده است. آن حضرت بلافاصله پس از درگذشت رسول خدا(ص) به جاى اینکه به عنوان یک زن مصیبت دیده، گوشه عزلت را برگزیده در فراق پدرش اشک ماتم بریزد، در متن اجتماع وارد گردیده و با رفتن به خانه‏هاى مهاجر و انصار براى برگرداندن خلافت به جایگاه اصلى آن تلاش ورزید. اگر حضرت دیانت را منحصر به مسایل فردى و عبادى مى‏دانست و هیچ کارى به حکومت و اداره امور سیاسى مردم نمى‏داشت، هیچ یک از رنج‌ها و گرفتاری‌ها و مصیبت‏هاى که بر او وارد آمده است وارد نمی‌آمد او مانند رسول خدا(ص) سعى در ایجاد زمینه براى هدایت خلق و سپردن سرنوشت آنان به شایستگان واقعى برآمد. از دیدگاه زهرا(س) دین زمانى مى‏تواند در زندگى مردم نمود یافته و مردم به آن پایبند باشند که در سایه حاکم و زمامدار الهى زندگى نمایند، اگر حاکم و زمامدار جامعه، انسان عادل و شایسته نباشد، نه تنها به دین و شریعت و برنامه‏هاى آن عمل نمى‏گردد که دین بازیچه دست بازیگران سیاست قرار مى‏گیرد. و از طرفی آن حضرت نقش عمده و چشمگیر در دفاع و حمایت از ولایت و امامت امام على(ع) داشته و توانسته است با روشنگری‌های خویش یاد و نام على(ع) را در اذهان مردم زنده نگه دارد و از توطئه‏هاى که براى بر کنارى آن حضرت انجام یافته بود پرده بردارد و با موضع گیری‌های صریحش برای دفاع از ولایت و جانشینی علی (ع) به رابطه بین سیاست و دیانت تاکید نموده و با قاطعیت و انعطاف ناپذیرى در مسیر حاکمیت حق با تمام توان، از اهداف و آرمان‏هاى ناب و اصیل دینى که برخاسته از قرآن و سنت رسول خدا(ص) بود، دفاع نمود و مانند پدرش و همسرش على بن ابى طالب در اداى تکلیف هیچ گونه سستى نشان نداد و بر سر اصول سیاسى اسلام مصلحت اندیشى نکرد. از اصول که در سیره سیاسى حضرت به عنوان الگو قابل استفاده است زمان‏شناسى آن حضرت است. و همچنین قاطعیت در مسیر حق و تاکید آن حضرت بر عدم جدایی قرآن و عترت و همچنین فرهنگ شهادت طلبی که با قربانی نمودن فرزندش محسن و شهادت خودش، این فرهنگ را ترویج نمود. ما، در این نوشته ابتدا به بیوگرافی مختصر از آن حضرت پرداخته و سپس نام‌ها و القاب آن حضرت را متذکر شده‌ایم و در مرتبه بعد شمه ای از فضایل آن بزرگوار را برشمرده‌ایم و در پایان به اصول و مبانی استخراج شده از سیره سیاسی آن حضرت پرداخته‌ایم: اصولی همچون: 1 - رابطه دیانت و سیاست، 2 - قاطعیت در مسیر حاکمیت حق، 3 - زمان‏شناسى، 4 - تلاش بر جداى ناپذیرى قرآن و عترت، 5- فرهنگ شهادت‏طلبى، و. . . اینک در آغاز این بحث به بیوگرافی مختصر از زندگی آن حضرت می‌پردازیم و سپس فضایل آن حضرت را بر می شماریم.

**1-بیوگرافى مختصر از زندگى حضرت زهرا(س)**

نام: فاطمه، کنیه‏هاى مشهور: ام الحسن، ام الحسین، ام ابیها و ام الائمّه:
لقب‏هاى مشهور: زهرا، ، صدیقه، طاهره، کبرى، سیده، بتول.
اسم پدر: حضرت محمد ابن عبدالله اسم مادر: خدیجه بنت خویلد محل تولد: مکّه مکرمه سال تولد: سال دوم بعثت به روایتى سال پنجم، روز میلاد، بیستم جمادی‌الثانی.
نام همسر: على ابن ابى طالب‏. و زمان ازدواج: رجب یا ذی‌الحجه سال دوم هجرت به مدینه، مدت زندگى با امام على(ع): نُه سال میزان مهریه: 400 مثقال نقره مسکوک فرزندان: حسن، حسین، زینب، ام کلثوم، فرزند سقط شده به نام محسن شهادت: سال 11 هجرى محل دفن: نامعلوم، تعداد روایات باقى مانده در مورد حضرت: 2000 مورد، تعداد سخنان باقیمانده: 130 مورد، تعداد اشعار باقیمانده: 29 قطعه، خطبه‏هاى باقى مانده: دو خطبه، آثار علمى باقیمانده:مصحف که به خط امام على(ع) نوشته شده و اینک در نزد فرزندش امام مهدى(عج)مى‏باشد. در این گفتار براى آشنایى و پیش درآمد بحث بر آنیم تا مختصر و گذرا شرح حال و تاریخچه ای از زندگانی حضرت فاطمه(س) را یادآوری نماییم:
**1-ولادت حضرت فاطمه:**حضرت فاطمه(س)، بنا بر مشهور نزد علماى شیعه در بیستم جمادی‌الثانی سال پنجم هجرت دیده به جهان گشود. (1) مادر آن حضرت، بانوى جلیل‌القدر خدیجه دختر خویلد و از خانواده‏هاى اصیل قریش است، او داراى فضایل فراوان است ازجمله اینکه: او اولین بانویى بود که به رسول خدا(ص) ایمان آورد و با آن حضرت نماز گذارد. و او به سبب نجابت و پاکدامنى به طاهره لقب یافته بود. (2)رسول خدا(ص) در سن بیست و پنج سالگى با خدیجه(س) ازدواج نمود و او نخستین زنى است که به عقد پیامبر(ص) در آمد و تا او زنده بود رسول خدا(ص) زن دیگر اختیار نکرد. همه فرزندان رسول خدا(ص) به جز ابراهیم که مادرش ما ریه قبطیه بود از دامان پاک خدیجه به دنیا آمدند که کوچک‏ترین آنان حضرت فاطمه(س)بود. (3)رسول خدا پس از ازدواج با خدیجه داراى چند فرزند شد که به تقدیر الهى فرزندان او یکى پس از دیگرى از دنیا رفتند؛ منافقین که از هر وسیله بر علیه رسول خدا(ص) استفاده مى‏کردند، این بار حضرت را به جهت نداشتن فرزند، ابتر صدا نموده او را آزار مى‏دادند. خداوند با نزول سوره مبارکه کوثر(4)، حضرت را دلدارى داد و از نسل و زریه با برکت او خبر داد. (5)بر اساس روایات شکل‏گیرى وجود با برکت حضرت زهرا(س)و خلقت حضرت با تشریفات و مقدمات خاص انجام یافته است که عظمت وجودى حضرت را براى ما بیان مى‏کند. رسول خدا(ص) به دستور خداوند به مدت چهل شبانه روز از خدیجه (س) دورى گزیده به عبادت پرداخت، پس از گذشت چهل روز، از جانب خداوند براى آن حضرت طعام بهشتى رسید و به او دستور داد آن را میل نموده با خدیجه(س(هم بستر شود، خدیجه (س) گوید: هنوز رسول خدا از من دور نشده بود که وجود زهرا را در شکم خویش احساس کردم. (7)از امام رضا(ع) نقل شده است که رسول خدا(ص) فرمود: چون به آسمان عروج کردم جبرئیل دستم را گرفته وارد بهشت نمود، سپس خرمایى را میل نمودم و از آن نطفه در من پدید آمد، چون به زمین بازگشتم همسرم خدیجه به فاطمه(س) باردار شد، فاطمه(س) حوریه‏اى است به صورت انسان و من هرگاه مشتاق بوى بهشت مى‏شوم فاطمه(س) را مى‏بویم. (7)

**2- نام‏ها و القاب حضرت**

در روایات نام‌ها و لقب‏هاى متعدد براى آن حضرت ذکر شده است که هر یک به بعدى از ابعاد عظیم وجودى آن حضرت اشاره دارد که از این طریق گوشه‏هاى از شخصیت بزرگ او را براى ما ترسیم مى‏نماید. از امتیازات ویژه که تنها اولیاى الهى از آن بهرمند بوده است اینکه: نامگذارى حضرت فاطمه به دستور خداوند صورت گرفته است. از امام باقر(ع) روایت شده است که: چون حضرت زهرا(س) دیده به جهان گشود، خداوند به یکى از فرشتگان دستور داد به زمین فرود آمده اسم مبارک فاطمه، را بر زبان رسول خدا(ص) جارى سازد، بدین ترتیب رسول خدا(ص) نام او را فاطمه ‏نهاد. (8)
**الف: فاطمه:**از نام‏هاى مشهور حضرت، اسم مبارک فاطمه(س) مى‏باشد که روایات رسیده از رسول خدا(ص) و اهل‌بیت آن حضرت، به معنى و رمز گزینش این نام براى حضرت اشاره شده است. ابن عباس از رسول خدا(ص) روایت نموده است که فرمود: او بدان جهت فاطمه(س) نامیده شد که خداوند دوستان و پیروان او را از آتش جهنم بازداشته است. (9) امام رضا (ع) از پدران و آنان از رسول خدا(ص) روایت نموده‏اند که حضرت به فاطمه(س) فرمود:اى فاطمه! مى‏دانى چرا به این نام خوانده شدى؟ على(ع) عرض نمود: یا رسول الله! علت آن چیست؟ فرمود: بدین جهت که خداوند او و پیروان و دوستانش را از آتش جهنم بازداشته است. (10)
**ب: زهرا:**از جمله نامهاى مبارک آن حضرت زهرا مى‏باشد، از امام صادق(ع)است که فرمود: حضرت فاطمه(س) در پیشگاه خداوند داراى نه نام مى‏باشد: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، زهرا، محدّثه. (11)از امام حسن عسکرى(ع) روایت شده که فرمود: او را بدان جهت زهرا می‌گفتند که در روز سه بار چهره‏اش براى امیرالمؤمنین می‌درخشید، صبحگاهان چون خورشید، و در نیمه روز چون ماه تابان و در شامگاهان همانند ستاره تابناک تلألؤ نموده و مى‏درخشید. (12)
**ج: بتول:**از نامهاى دیگر آن حضرت که در روایات آمده است بتول، مى‏باشد از رسول خدا(ص) روایت است که فرمود: او به این جهت بتول نامیده شد که هیچگاه خون حیض و نفاس نمى‏دید و بر خلاف زنان دیگر به عادت ماهیانه مبتلا نمى‏شد. (13)این اثیر گوید: فاطمه را به این نام خواندند زیرا او از میان زنان هم عصر خویش جدا بود و هیچکس از نظر فضل و کمال و دیانت و حسب به پاى او نمى‏رسیدند و نیز گفته شده او را بدین خاطر بتول مى‏گفتند که او خود را از دنیا بریده و به خدا پیوسته ‏بود. (14)
**د: محدثه:**از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: فاطمه(س)را بدان جهت محدثه می‌گفتند که فرشتگان الهى بر او فرود مى‏آمدند و آن گونه که مریم دختر عمران را صدا مى‏نمودند، او را مورد خطاب قرار داده مى‏گفتند: اى فاطمه به درستی که خداوند تو را برگزید و پاکیزه‌ات ساخت و از میان زنان جهان تو را اختیار نمود؛ اى فاطمه براى پروردگارت قنوت نما؛ فاطمه(س) نیز با آنان گفتگو مى‏نمود. (15)برخى از کینه‏هاى آن حضرت عبارتند از: ام الحسن، ام الحسین، ام المُحسَّن، ام الائمه، ام ابیها، علامه اردبیلى گوید: رسول خدا(ص) به جهت تعظیم و بزرگداشت آن حضرت او را ام ابیها خطاب مى‏نمودند. (16)

**3-دوران کودکى حضرت:**

حضرت فاطمه (س)در سن خرد سالى در حالى که بیش از پنج سال نداشت مادرش را از دست داد و از آن پس در سایه حمایت پدرش رسول خدا(ص) زندگى مى‏نمود؛ در سال‌های آخر که رسول خدا(ص) در مکه بود تاریخ، نقش فعّال حضرت فاطمه(س) را در کنار پدر، نشان می‌دهد، گویند وقتى مشرکین مکه نقشه قتل رسول خدا(ص) را کشیدند، فاطمه(س) نزد رسول خدا(ص) آمده او را از تصمیم خطرناک آنان آگاه نمود. (17)پس از هجرت رسول خدا(ص) از مکه به مدینه، حضرت فاطمه(س) نیز به مدینه هجرت نمود و نام خویش را در این افتخار بزرگ و تاریخى ثبت کرد.

**4-ازدواج حضرت فاطمه(س)**

چون صدیقه‏اى طاهره(س) به سن ازدواج رسید، بزرگان از مهاجر و انصار از او خواستگارى نمودند، ولى رسول خدا(س)آنان را جواب رد داده فرمود: در امر ازدواج فاطمه(س) منتظر دستور و فرمان خداوند هستم. (18)این نکته‏اى تاریخى از عظمت و جایگاه زهرا(س) سخن می‌گوید، گویا جز خداوند کسى نمی‌داند، چه کسى لیاقت و شایستگى همسرى زهرا(س)را دارد! پس باید این امر فرخنده به راهنمایى و دستور او صورت پذیرد. وقتى على(ع) فاطمه (س)را از رسول خدا(ص) خواستگارى نمود، رسول خدا ضمن اظهار شادمانى به او جواب مثبت داده فرمود: یا على! بشارت می‌دهم تو را، به درستى که خداوند در آسمان زهرا را به عقد تو در آورده، پیش از آن که من در زمین او را به عقد تو در آورم. (19) ابن ابى الحدید گوید: على با زهرا ازدواج نکرد مگر پس از آنکه خداوند او را به شهادت فرشتگان به عقد على(ع) در آورد. (20)در شب عروسى و زفاف حضرت فاطمه(س) رسول خدا(ص) استر شهباى خود را در حالى که پارچه بر آن انداخته آورد و فاطمه(س) را بر آن سوار نمود، زمام ناقه را سلمان در دست گرفته و خود از پشت سر، استر را حرکت می‌داد، در بین راه صداى افتادن چیزى را شنیده مشاهده کرد که جبرئیل و میکائیل هر یک با هفتاد هزار فرشته وارد شدند، پرسید چه شده است که به زمین فرود آمده‏اید؟ گفتند آمده‏ایم تا فاطمه(س) را همراهى نموده به خانه على(ع) ببریم! آنگاه جبرئیل و میکائیل و فرشتگان و رسول خدا تکبیر گفتند، از آن زمان گفتن تکبیر در مراسم عروسى مرسوم گردید(21)زندگى مشترک على (ع)و فاطمه(س) آنچنان در اوج صفا و صمیمیت و محبت بود که على(ع) از شکوه و عظمت آن این‌گونه یاد نموده است: به خدا سوگند هیچگاه او را به خشم در نیاورده ناراحت ننمودم تا اینکه خداوند روح پاکش را قبض نموده از دنیا برد، او نیز هیچگاه مرا خشمگین نساخته نافرمانیم ننمود، هرگاه به چهره او مى‏نگریستم غم و اندوه من از میان مى‏رفت. (22)
حضرت فاطمه(س) داراى پنج فرزند بود که عبارتند از حسن حسین زینب، ام کلثوم، و محسن که پیش از آمدن به دنیا به شهادت رسید و رسول خدا این نام را بر او نهاده بود. (23)بنا بر دیدگاه علماى شیعه عمر شریف آن حضرت هجده سال بود که مدت هشت سال در مکه و ده سال در مدینه منوره زندگى نمود و در سال یازدهم هجرى چشم از جهان فرو بست. (24)

**5فضایل حضرت زهرا(س)**

حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا(س) داراى فضایل فراوان و از مقام و جایگاه بزرگ در میان مسلمانان برخوردار است. در طول تاریخ بسیارى از نویسندگان مسلمان خود را ملزم به تدوین کتابى پیرامون فضایل و زندگى حضرت فاطمه(س) مى‏دانستند، انبوه کتاب‌های که در مورد آن حضرت به زبان‌های مختلف و زنده دنیا نوشته شده است گویاى این مسأله است. (25)بیان فضیلت و مقام بلند و عظیم زهرا(س) کار یست دشوار که تنها از عهده کسانى بر مى‏آید که آن حضرت را به طور کامل بشناسند و این جز از رسول خدا(ص) وائمه)علیهم السلام(بر نمى‏آید، از این رو روایات چندى از رسول خدا(ص) و ائمه اطهار: درباره فضایل آن بانوى بزرگ نقل می‌نمایم.
**1: عصمت حضرت زهرا (س)**از امتیازات ویژه و منحصر به فرد آن حضرت است اینکه: او تنها بانوى است که در میان امت پیامبر خاتم(ص) معصوم و از هر گونه خطا و لغزش دور بوده و پیراسته ‏مى‏باشد. از ادله‏اى عصمت آن حضرت که او را معصوم دانسته آیه 33 سوره احزاب است که به آیه تطهیر شهرت دارد، خداوند در این آیه فرموده است اًِّنَّمَا یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً(26)
خداوند اراده نموده است که هر گونه نا پاکى و پلیدى را از رسول خدا(ص) و اهل‌بیت او دور ساخته و آنان را پاک و پاکیزه نماید. مفسران و مورخان نوشته‏اند چون این آیه نازل شده رسول خدا(ص) على(ص) و فاطمه(س) و حسنین(ع) را جمع نموده کسائى خیبرى روى آنها انداخته فرمود: بار خدایا اینها اهل بیت من هستند، هر گونه ناپاکى را از اینان دور فرما، ام سلمه گوید:من نزدیک در بودم، گفتم یا رسول الله من هم جز آنان هستم؟ فرمود: تو بر خیر یا در مسیر خیر مى‏باشى، ولى جز آنان نیستى. (27)این آیه تصریح بر این دارد که اراده خداوند بر این قرار گرفته که هر گونه رجس و پلیدى را از رسول خدا(ص) و اهل‌بیت آن حضرت دور سازد و به گواهى مفسرین حضرت زهرا(س) از اهل‌بیت رسول خدا(ص) مى‏باشد. از فضایل آن حضرت که دال بر عصمت او نیز مى‏باشد، جریان سرنوشت ساز و تاریخى مباهله رسول خدا(ص) با علمأ نجران مى‏باشد که رسول خدا(ص) از میان زنان تنها فاطمه(س) را با خود برده و در این جریان تاریخى و مهم سهیم نمود. (28)علاوه بر آیات قرآن، روایات و فرمایشات رسول خدا(ص) نیز دلالت بر عصمت و پاکى آن حضرت دارد. از جمله این حدیث شریف که در کتاب‌های مختلف شیعه و اهل سنت از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: به درستى که خداوند به سبب خشم فاطمه، خشمناک و به رضایت او راضى مى‏گردد. (29) و نیز فرمود: فاطمه پاره تن من است، هر که او را خشنود نماید مرا خشنود ساخته، آنکه او را اذیت نماید مرا اذیت نموده است. (30)از این فرموده رسول خدا(ص)استفاده مى‏گردد که تمام اعمال و حرکات و اندیشه زهرا(س) رنگ و بوى الهى داشته است و او هیچگاه خشم و رضایت اش برخاسته از هوى و هوس و کشش‏هاى نفسانى نبود، زیرا اگر در جایى انگیزه‏هاى برخاسته از نفس و غیر الهى بر حرکات و اندیشه‏هاى او تأثیر می‌گذاشت، خشم و رضایت او جداى از خشم و رضایت پروردگار مى‏شد و این چیزى است که رسول خدا(ص) آن را به صراحت نفى نموده است. از اینجا است که می‌توانیم بگوییم تمام اعمال و حرکات حضرت زهرا(س) روى موازین شرعیه بوده و زَره ای خطا و لغزش در زندگى آن حضرت راه پیدا نکرده است، و این چیزى نیست جز عصمت و پاکى آن حضرت که شیعیان به آن معتقد هستند.
**2-کرامت حضرت فاطمه(س)**حضرت فاطمه(س) علاوه بر فضایل ذاتى و اکتسابى که داراست، داراى کرامات زیادى است، علامه امینى با ذکر دلایل فراوان از قرآن و روایات، حضرت زهرا(س) را از جمله‏اى اولیأ خاص الهى می‌داند، (31) گر چند آن حضرت از عمر طولانى برخوردار نبود، اما در عین حال در تاریخ نمونه‏هاى فراوان از کرامات آن حضرت نقل شده است که بیانگر مقام و جایگاه ویژه آن حضرت در نزد خداوند مى‏باشد، جهت رعایت اختصار نمونه‏هاى از کرامات حضرت را ذکر می‌نمایم. سلمان فارسى گوید:در خانه زهرا(س) بودم، دیدم حضرت نشسته با آسیاب جو آرد مى‏کند در حالى که عمود آسیا خون آلود است، حسین(ع) که کودک شیر خوار بود به شدت گریه مى‏نمود، عرض کردم دختر رسول خدا(ص) خود را به زحمت مى‏اندازى، چرا این کار را به فضه واگذار نمى‏کنى؟ فرمود: رسول خدا(ص) به من سفارش نموده است که کارهاى خانه را میان خویش تقسیم نموده روى نوبت انجام دهیم، امروز نوبت من است، سلمان گوید: عرض نمودم بانوى من! اجازه دهید شما را کمک نمایم، من بنده آزاد شده‏اى شمایم، یا آسیاب نمودن را به من بسپار، یا پرستارى از حسین(ع) را، فرمود من به پرستارى از حسین مناسب‌ترم شما جو را آرد نمائید. سلمان گوید: مقدارى جو را آرد نموده صداى اذان را شنیدم و به مسجد رفتم، نماز را با پیامبر(ص) اقامه نمودم، پس از نماز جریان فاطمه(س) را با على(ع)در میان گذاشتم، آن حضرت گریه کرد و به سوی خانه رفت، لحظه‏اى نگذشت که خندان به سوی مسجد بازگشت. حضرت رسول خدا(ص) از علت خنده او پرسید، او گفت:نزد فاطمه(س) رفتم، دیدم به پشت خوابیده و حسین(ع) روى سینه‏اش بخواب رفته است، آسیا در پیش روى او بى آنکه دستى آن را بگرداند خود به خود مى‏گردد؛حضرت رسول خدا(ص)با لبخند فرمود: اى على(ع) آیا نمی‌دانی که براى خداوند فرشتگانی است که در زمین گردش می‌کنند تا به محمد و آل محمد(ص)خدمت نمایند، و خدمت آنها تا روز قیامت ادامه دارد. (32)همچنین روایت شده است که گاهى که حضرت مشغول نماز بودند، کودک اش گریه مى‏نمود مى‏دیدند گهواره‏اش حرکت مى‏کند و فرشتگان آن را حرکت می‌دادند(33)نمونه از کرامات حضرت در داستان هجوم به خانه آن حضرت روایت شده است که بیانگر جایگاه بلند حضرت در پیشگاه خداوند مى‏باشند. نقل است که چون حضرت على(ع) را به زور به سوی مسجد براى بیعت با ابى بکر بردند، فاطمه(س) دست حسنین(ع) را گرفته از خانه بیرون آمد و خواست به سوی قبر حضرت پیامبر(ص) برود و ابى بکر و حامیان اش را نفرین نماید، حضرت على(ع)به سلمان فرمود: اى سلمان! دختر رسول خدا(ص) را دریاب که دو طرف شهر مدینه را مى‏بینم که آماده‏اى فرو رفتن به زمین است، سلمان گوید: به خدا قسم دیدم پایه‏هاى دیوار مسجد از زمین کنده شده به گونه‌ای که مى‏شد از زیر آن عبور نمود، خود را به فاطمه(س) رسانیدم عرض نمودم، بانوى من، خداوند پدرت رسول خدا(ص) را به عنوان رحمت فرستاد، تو مایه‏اى عذاب مباش، حضرت برگشت، دیوارهاى مسجد به جاى خویش استقرار یافت. (34)اینها نمونه‏هاى از کرامت و عظمت حضرت زهرا(س) مى‏باشد که حکایت از شخصیت و جایگاه منیع او در پیشگاه خداوند دارد، جالب است که بدانیم پس از مرگ آن حضرت نیز کراماتى از آن حضرت نقل شده است، روایت است که وقتى زهرا(س) از دنیا رفت، امام على(ع) او را غسل داده کفن نمود، براى آخرین بار به فرزندان زهرا(س) فرمود تا با مادر خداحافظى نمایند، آنها جنازه‏اى مادر را در آغوش گرفتند، على(ع) گوید: من خدا را شاهد مى‏گیرم که حضرت ناله‏اى جانکاه کشیده دستهاى خود را دراز نمود و فرزندان اش را مدّتى به سینه‏اش چسبانید. (35)
**3-محدّثه بودن حضرت فاطمه(س)**از فضایل و مناقب حضرت فاطمه(س) این است که او را محدّثه نامیده‏اند، روایات رسیده بر این مسأله دلالت دارد که آن حضرت را بدین جهت محدّثه مى‏گفتند که با فرشتگان گفتگو مى‏نمودند. (36)سخن گفتن با فرشتگان از امتیازات و فضایل است که جز اولیأ خاص الهى و بندگان مقرّب خدا کسى دیگر از آن بهرمند نیست و هر کسى توان و شایستگى گفتگو با فرشتگان را ندارد. این مسأله که ملائکه با غیر پیامبران و انبیاى الهى سخن مى‏گویند، مورد اتفاق همه علماى اسلام مى‏باشد، علامه امینى گوید: امت اسلامى همه بر این امر اتفاق دارند که در این امت مانند امتان گذشته، مردانى بوده‏اند که به آنان حدیث گفته مى‏شده و به اصطلاح محدَّث بوده‏اند محدَّث کسى است که بدون اینکه پیامبر باشد، و بدون اینکه فرشتگان را ببیند فرشتگان با او صحبت کرده باشند و یا اینکه در دلش چیزى مى‏افتد و به او الهام مى‏شود و به صورت کشف و الهام از سوى خداوند علمى به او آموخته مى‏شود و یا در دل او حقایق که بر دیگران پوشیده است روشن مى‏گردد و یا چیزی شبیه این مفاهیم، وجود چنین کسانى در میان امت اسلامى مورد اتفاق است، به عقیده شیعه حضرت على(ع) و دیگر امامان معصوم از فرزندان آن حضرت از محدثین مى‏باشند. علامه در ادامه گوید: حضرت صدیقه طاهره نیز محدثه بود. (37)قرآن به صراحت از سخن گفتن فرشتگان با حضرت مریم خبر مى‏دهد. (38)و همچنین از سخن گفتن فرشتگان با زن ابراهیم(39) و مادر موسى (40) خبر مى‏دهد که فرشتگان با آنها سخن گفته‏اند پس این نتیجه را مى‏گیریم که سخن گفتن فرشتگان با غیر انبیا ممکن بوده و در میان بندگان الهى بوده و هستند کسانى که شایستگى گفتگو با فرشتگان را دارند که حضرت صدیقه طاهره نیز از این امتیاز بهره‏مند بوده است. روایات زیادى بر این است که فرشتگان با حضرت فاطمه(س) گفتگو مى‏کردند و نتیجه این گفتگو طبق برخى از روایات به صورت مصحف براى آن حضرت در آمد(41)که بنام مصحف حضرت فاطمه(س) معروف است. حماد بن عثمان گوید: از امام صادق(ع)درباره مصحف حضرت فاطمه(س)پرسیدم، فرمود: چون حضرت پیامبر(ص) از دنیا رفت حضرت زهرا(س) به شدت اندوهناک گردید، خداوند فرشته اى را نزد او فرستاد تا او را دلدارى دهد و به او حدیث گوید، حضرت فاطمه(س) امیرالمؤمنین(ع) را در جریان قرار داد، حضرت فرمود: هر گاه آن را احساس نمودى به من بازگو، حضرت فاطمه(س) به هنگام نزول فرشته حضرت على(ع) را خبر مى‏نمود و زهرا(س) آنچه را که از فرشته دریافت مى‏نمود به على(ع) مى‏گفت و آن حضرت آن را مى‏نوشت تا اینکه به صورت کتاب و مصحفی از آن مجموعه به وجود آمد، در این مصحف حلال و حرام وجود ندارد ولی علوم آینده در آن ثبت است. (42)از بعضى روایات استفاده مى‏شود که ملایک ضمن گفتگو با حضرت فاطمه آن را یکجا از طرف خداوند بر آن حضرت آورده است و در آن تمامى علوم آینده نهفته است و آن یکى از مراجع و مصادر علوم اهل بیت: مى‏باشد که به آن مراجعه مى‏نموده‏اند و در زمان هر یک از ائمه: دست به دست منتقل مى‏شده و امروز در نزد حضرت ولى عصر مى‏باشد. (43)
**4-علم حضرت فاطمه(س)**از فضایل حضرت فاطمه(س) که او را از دیگران متمایز ساخته علم و دانش آن حضرت مى‏باشد، او در این فضیلت نیز از دیگران پیشى جسته و در دریاى از علم و معرفت قرار دارد، بهترین دلیل و شاهد بر این مسئله سخنان به جا مانده از آن حضرت است که ما را به دریاى از علم و دانش آن حضرت رهنمون مى‏سازد؛ خطبه معروف به فدکیه آن حضرت از همان آغاز تاکنون باعث حیرت و تعجب بسیارى از سخنوران و اندیشمندان گردیده است. این خطبه را مى‏توان یک دوره کامل از معارف اسلامى دانست که در آن مسایل مختلف اسلامى بیان شده است. که اوج علم و دانش و معرفت حضرت را ثابت مى‏نماید. حضرت در مراحل مختلف از سخنان حضرت پیامبر(ص)بهره مى‏برد و بر دانش خویش مى‏افزوده و نیز سعى بر حفظ سخنان حضرت رسول خدا [ص]و رسانیدن آن به دیگران داشت. شخصى از مؤمنین مدینه روایتى را از حضرت فاطمه(ص) درخواست نمود، حضرت به فضه فرمود: آن روایت را که بر کاغذى نوشته شده است بیاور، پس از جستجوی فراوان اطلاع داد که روایت مورد نظر گم شده است، حضرت زهرا(س) با ناراحتی فرمود وای بر تو بگرد پیدا کن، زیرا ارزش معنوى این حدیث نزد من برابر با ارزش حسن و حسین(ع) است. (44)
آنگاه که خود نمى‏توانست در حضور پیامبر رسیده آیات قرآن را فرا گیرد، به وسیله فرزندش حسن(س) که در مسجد آیات قرآن را گوش داده و حفظ مى‏کرد، یاد می‌گرفت و حفظ مى‏نمود. (45)عمار یاسر مى‏گوید: روزى على(ع) بر فاطمه وارد شد، چون چشم حضرت زهرا بر او افتاد صدا زد یا على(ع) نزدیک بیا تا تو را از آنچه بوده و آنچه که هست و از آنچه که تاکنون نبوده تا روز قیامت خبر دهم، عمار گوید: دیدم على(ع) عقب به عقب قدم برداشته برگشت، من هم دنبال او آمده تا حضور پیامبر(ص) رسیدیم.
پیامبر(ص) فرمود یا ابالحسن، جلو بیا، على(ع) نزدیک رفت، چون مجلس خلوت شد رسول خدا(ص) فرمود: یا على! تو مى‏گویى یا من بگویم فرمود: یا رسول‌الله شنیدن از شما بهتر است، آنگاه رسول خدا(ص) فرمود: آیا از زهرا چنان شنیدى و عقب برگشتى! فرمود: یا رسول الله آیا نور فاطمه نیز از نور ماست؟ فرمود آیا نمى‏دانى که این چنین است، على(ع)( به خاطر سپاس از خداوند سجده شکر به ‏جا آورد. (46)
**5- عبادت زهرا(س)**صدیقه طاهره از نظر عبادت و بندگى در اوج از عظمت قرار دارد به گونه‏اى که در این جهت نیز کسى به پاى او نمى‏رسد، حسن بصرى گفته است در این امت کسى بیشتر از فاطمه بندگى خداى را ننموده و عابدتر از او وجود ندارد، او آنقدر به نماز ایستاد که پاهایش ورم کرد(47). داستان نقل شده از امام مجتبى(ع)گوشه‏اى از عبادت زهرا(س) را بازگو مى‏نماید:او فرمود: مادرم فاطمه(س) را دیدم که شب جمعه‏اى در محراب عبادتش ایستاده تا طلوع صبح در حال رکوع و سجود بود و شنیدم که براى زنان و مردان با ایمان بسیار دعا مى‏کرد و نامهاى یکایک را مى‏برد و براى خودش چیزى از خدا نخواست، عرض کردم اى مادر! چرا آن گونه که براى دیگران دعا مى‏کنى براى خود دعا نمی‌کنی؟ فرمود: پسرم، اول همسایه، بعد خانه‏اى خود. (48)

**فاطمه(س) از نگاه رسول خدا(ص)**

در برخورد رسول خدا(ص) با دخترش فاطمه مطالبى در احادیث نقل شده که مقام و مرتبت خاص آن حضرت را نزد رسول خدا(ص) بیان مى‏دارد و اینکه حضرت با احدى جز دخترش زهرا(س) این‌گونه محبت و احترام از خود نشان نداده است.
روایت است که هرگاه زهرا(س) بر رسول خدا(ص)وارد مى‏شد او دست زهرا(س)را گرفته مى‏بوسید و در جاى خویش مى‏نشاند و هم چنین هرگاه رسول خدا بر او وارد مى‏شد، او به احترام پدر تمام قد مى‏ایستاد و پدر را مى‏بوسید و دست او را گرفته و در جاى خود مى‏نشاند. (49)و نیز نقل شده که هرگاه رسول خدا عازم سفر مى‏شد آخرین کسى از اهل اش که با او خداحافظى مى‏نمود زهرا(س) بود و هرگاه از سفر بر مى‏گشت اولین کسى را که با او دیدار مى‏کرد زهرا(س) بود. (50)در روایت دیگرى آمده است:که چون از جانب خداوند دستور رسید که مسلمان رسول خدا(ص) را همانند انسان‌های عادى با اسم صدا نکنند(51)، فاطمه(س) گوید من نیز از آن پس تصمیم گرفتم دیگر او را پدر صدا نزنم و او را رسول خدا صدا مى‏زدم، رسول خدا(ص) رو به من نموده فرمود: دخترم! این آیه در مورد تو و اهل تو نازل نگردیده بلکه در مورد اهل کبر و جفا نازل شده، مرا پدر صدا کن، به درستى که این کار قلبم را شاد و موجب رضایت خداوند مى‏گردد، و سپس رسول خدا(ص) پیشانى او را بوسید. (52)رسول خدا آن چنان به فاطمه(س) عشق مى‏ورزید که تا او را نمى‏بوسید به خواب نمى‏رفت(53)، گاه این عمل رسول خدا آتش حسرت و حسد برخى زنانش را برمى‏انگیخت و بر او خرده مى‏گرفتند، حضرت در جواب آنان مى‏فرمود: فاطمه فرشته است به صورت آدمى و من هرگاه مشتاق بوى بهشت مى‏شوم او را مى‏بویم. (54)به نظر مى‏رسد این‌گونه محبت و احترام صرفاً برخاسته از رابطه‏اى پدرى و فرزندی نیست، چه اینکه این‌گونه احترام و محبت در انسان معمولى نیست، بلکه حضرت مى‏خواسته مقام و منزلت جایگاه معنوى زهرا(س) را براى امت بیان نماید، و اینکه آن حضرت پس از او میزان حق و باطل و معیار هدایت و ضلالت است. (55)

**فاطمه(س) در نگاه على(ع):**

على(ع) در مواردی به همسرى زهرا(س) افتخار نموده و جود او را در کنار خویش دلیل بر حقانیت خود دانسته است، او در مقام احتجاج به ابى بکر فرمود تو را به خدا سوگند آیا من کسى نیستم که رسول خدا مرا برگزیده و دخترش فاطمه را به من تزویج نمود؟ آیا خداوند او را در آسمان، به عقد من در آورد یا تو؟ ابوبکر گفت: به عقد تو در آورد. (56)
و نیز فرمود: شما را به خدا سوگند! کیست که جز من افتخار همسرى با سیده زنان دو عالم را داشته باشد، گفتند: جز تو کسى نیست. (57)و در جواب نامه معاویه فرمود:رسول خدا(ص) از ما و شخص دروغگو (ابوجهل) از شما، شیر خدا از ما و سیدالاحلاف (ابوسفیان) از شما، دو آقاى جوانان اهل بهشت از ما و فرزندان آتش)فرزندان مروان) از شما، بهترین زنان دو عالم از ما و حمل کننده هیزم جهنم (زن ابی لهب عمه معاویه) از شما، نوشته‏اند چون این نامه به معاویه رسید دستور داد آن را پنهان نمایند تا اهل شام با خواندن آن به على(ع) متمایل نگردند. (58) آنچه بر شمردیم گوشه‏اى از فضایل و عظمت وجودى حضرت صدیقه طاهره(س) است که حدیث نگاران و تاریخ‌نویسان شیعه و اهل سنت از رسول خدا(ص) نقل نموده‏اند. چنانچه گفته شد حضرت زهرا(س) به گواهى قرآن و سخنان رسول خدا(ص) معصوم و از هرگونه ناپاکى در رفتار و گفتار مبرّا و پیراسته بوده است، بدین جهت سیره و رفتار مختلف آن حضرت از جمله موضع‏گیرى و جهت‏گیرى سیاسى آن حضرت پس از در گذشت رسول خدا(ص) و بحران سقیفه و دفاع آن حضرت از امام على(ع) از اهمیت فراوانى بر خور دار است، زیرا او بر اساس فرمایش رسول خدا(ص) ملاک حب و بغض خداوند به عبارتى پس از رسول خدا(ص) معیار حق و باطل بوده است. در فصل بعد اصول و مبانی که از موضع گیری سیاسی آن حضرت بدست می‌اید و می‌تواند راهگشای زندگی مسلمین به ویژه شیعیان باشد را بررسی خواهیم کرد.